



عزل "امیرکبیر" صدراعظم "ناصرالدین شاه" در پی بدگویی دشمنان داخلی و خارجی (1230 ش)

با مرگ محمدشاه قاجار، میرزا محمدتقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر، تلاش زیادی برای به سلطنت رساندن ناصرالدین شاه به عمل آورد و در نهایت با تدبیر او، کار سلطنت، سامان یافت.

با مرگ محمدشاه قاجار، میرزا محمدتقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر، تلاش زیادی برای به سلطنت رساندن ناصرالدین شاه به عمل آورد و در نهایت با تدبیر او، کار سلطنت، سامان یافت. از آن پس و همزمان با آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه، امیرکبیر نیز به صدارت عظمی دست یافت و به رتق و فتق امور همت ورزید. استقلال نظر و خدمات عمومی و به طور کلی، سیاست داخلی و خارجی امیرکبیر که در جهت منافع و مصالح کشور بود، در محیط دربار و اجتماع رجال و شاهزادگان و وابستگان و حقوق بگیران بیگانه، قابل قبول و مورد پسند نبود. این افراد بانفوذ و قدرتمند که از اقدامات امیرکبیر رنجیده بودند، برای متوقف کردن امیرکبیر دست به هر کاری زدند ولی چون او را مستقیم و مستقل یافتند، اتهامات زیادی را به صورت شایعه به او وارد ساختند. ناصرالدین شاه در ابتدا به این بدگویی‌ها توجهی نمی‌کرد. اما توطئه، گسترده بود و اصرار در ترساندن شاه، ادامه یافت. کم‌کم ناصرالدین شاه که هنوز بیست سال هم نداشت به امیر سوءظن پیدا نمود و او را در 28 آبان 1230 محرم 1268 ق، 19 نوامبر 1851 م) از صدارت عزل نمود. اما در این میان بدگویی دیگران تا آنجا ادامه یافت که شاه وحشت‌زده، با عزل امیر از تمامی مقام‌ها، او را به کاشان تبعید نمود. پس از مدتی فرمان قتل امیرکبیر نیز صادر شد و سرانجام امیر را در بیستم دی ماه 1230 ش (18 ربیع‌الاول 1268 ق، 10 ژانویه 1852 م) در حمام فین کاشان به قتل رساندند. امیرکبیر مردی کاردار، باهوش، وطن‌دوست و باکفایت بود. در زمان صدارت خود خدمات شایسته و درخور تحسینی به ایران و ایرانیان نمود. وی منافع ملت را بر همه چیز مقدم می‌داشت و هیچ گاه در مقابل اجانب سر فرود نمی‌آورد. مهم‌ترین اقدامات فرهنگی وی را می‌توان تأسیس دارالفنون تهران نام برد. نکته تأسف‌بار این است که دارالفنون 13 روز پس از قتل امیرکبیر افتتاح شد.